

۱. ۱- نمان - عیان (تضاد)
- ۲- غم - شادی (تضاد) / غم شادمان است (تشخیص)
- ۳- سوختن جان (کنایه) / آتش و سوخت (مراعات نظیر)
۲. زنهار - تأمل - خصوصیت - احوال - تسلط - عرض کرد
۳. ده باب / اخلاقی، اجتماعی، عرفانی
۴. سر به هم آوردن (کنایه از باهم بودن) برگ و غنچه (مراعات نظیر)
۵. معترف - عارف - عرفان - تعریف انحصار - حصیر - محاصره - حصر تسلط - سلطان - سلطه
- مستمع - سمع - استماع عارض - معرض - عریض
۶. ۱- رمیده ← صفت مفعول انیس و مونس (بیانی ساده)
- ۲- درخشان ← صفت فاعلی
- ۳- سرشناس ← بیانی ساده
۷. ۱- فرهنگ و ادب و اندیشه (مشبه) بیشه (مشبه به) (وجه شبه و ادات تشبیه حذف شده است).
- ۲- تو (مشبه) شیر (مشبه به) (وجه شبه و ادات تشبیه حذف شده است).
۸. ۱) شاد ۲) بدبختی ۳) گوینده ۴) متواضع
۹. ۱- بیابان ۲- نفس ۳- بی مناسبت ۴- نوشتن
- ۱۰.

مشبه	مشبه به	وجه شبه	ادات تشبیه
۱- تو	چشم و چراغ	-	-
۲- تو	کوه	استوار	چون

۱۱. سحرخیز: مسند / خواب: متمم
۱۲. ۱۰ باب
۱۳. ۱- کتاب ۲- دوستان ۳- انسان ۴- قدر
۱۴. ۱- برمی اندازد، برمی گزیند، کند ← سجع
- ۲- شب چونان چراغ ← تشبیه
- ۳- پلک و دیده ← مراعات نظیر
۱۵. الف) قصیده ب) مثنوی ج) مثنوی
- ۱۶.
- ۱- تشخیص (عقل ها حیران شود)
- ۲- استعاره (صور تگر ← استعاره از خداوند)
- ۳- تشبیه (آینه ی دل)
- ۴- تکرار (دوست، دوست)
۱۷. مشبه: آل نبی مشبه به: ماهی ز آب بیرون افتاده ادات: چو وجه شبه: حذف شده است (تشنگی)
- ۱۸.
- ۱) صمیمی شده بودیم.
- ۲) تصمیم خود را عوض نکرد.
- ۳) در مورد او تصمیماتی گرفته ام.
- ۴) پشیمان شده ام.
۱۹. واج آرای حرف (د)
۲۰. ۱- سر افکنده ۲- ترسو ۳- فرشته ۴- مزدور، ستمگر
۲۱. مثنوی - شاهنامه ی فردوسی - لیلی و مجنون نظامی - بوستان سعدی
۲۲. ۱- دانه ی شکر شکر (مشبه) - دانه (مشبه به) ← اضافه ی تشبیهی
- ۲- به خسی چون تو تو (مشبه) - خسی (مشبه به) چو (ادات تشبیه)
۲۳. حیران = متحیر، تحیر / تماثل = مثال، امثال / هجر = هجران، مهاجرت
۲۴. ۱- در دولت گشودن ← کنایه از سعادت و خوشبختی ۲- تاج عزت ← تشبیه ۳- تاج و سر ← مراعات نظیر
۲۵. ۱- ردیف: باشی، باشی / قافیه: عزیز، تمیز ۲- قافیه: کار، م شمار ۳- قافیه: بلند، نژند

۲۶. کنه ماهیتش: ذات و چیستی ، توفنده: پر خروش ، متفق: هماهنگ ، پرستار: مطیع
۲۷. (۱) آن نقاش ماهر که بدون تقلید از کسی، این همه نقش و نگار بر صفحه‌ی جهان نقاشی کرده است، کیست!
(۲) برای شناخت خداوند باید به دلت که همانند آئینه است مراجعه کنی تا کم کم به پاکی و صفا دست پیدا کنی.
(۳) از راه دل و شعور، حقیقت هستی را ببین؛ تا هر چیزی را که با چشم سر نمی توانی ببینی، درک کنی.
(۴) از کارهای شگفت و عجیب آفرینش خداوند یکتا، رازهای پیچیده‌ی عالمانه در آفریدن خفاش‌ها است.
۲۸. (۱) همه‌ی موجودات به مقام خداوندی اعتراف می کنند و هم نظر و هم عقیده هستند، اما از شناخت ذات خداوند عاجز و ناتوان هستند.

(۲) هیچ کس نمی داند که او کجا زندگی می کند و هیچ کس هم اجازه‌ی دیدنش را ندارد.
(۳) به راستی کسی نمی داند که در فصل بهار، این همه نقش و نگار زیبا از کجا آشکار می شود.
۲۹. جثه: بدن، پیکر / تمایل: تصویرها / کریم: بخشنده / بوریا: حصیر
۳۰. کامکار: خوشبخت / بهت: شگفتی / ماورا: پشت سر / متفق: هماهنگ / صورتگر: نقاش
(کلمات طلعت و نیکویی اضافه هستند)

abadgaran.edu.ir